

شبیه‌سازی اقدام نظامی آمریکا علیه سوریه در چارچوب ملاحظات حقوق بین‌الملل

مسعود رضائی*

چکیده

هدف این مقاله بحث در مورد پیامدهای حقوقی توسل به زور توسط آمریکا علیه سوریه در سال ۲۰۱۳ و دیگر مسائل مختلف حقوقی مرتبط با درگیری‌ها در سوریه است. ایالات متحده معتقد است استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه باعث ایجاد بحران انسانی شده و در نتیجه بر اساس اصل مداخله بشردوستانه مسئولیت حمایت، اقدام نظامی توجیه‌پذیر خواهد بود. پرسش کلیدی نیز پس از حمله شیمیایی در سوریه بر این پایه استوار است که آیا اقدام نظامی احتمالی ایالات متحده علیه سوریه در قالب حقوق بین‌الملل قابل توجیه است؟ بر همین اساس، در اینجا بحث و گفتگو بر مشروعیت مداخله بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی متمرکز شده و همچنین استدلال‌هایی که در قلمرو آموزه مسئولیت حمایت مطرح می‌شود. اما به‌واقع ما بحث را چنین پی خواهیم گرفت که ایالات متحده چه استدلال‌هایی برای توجیه عمل خود می‌تواند اقامه کند؟ چه استدلال‌هایی در رد کردن توجیه آمریکا و غیرقانونی دانستن عمل وی وجود دارد؟ رویکردهای نظری و عملی به حقوق بین‌الملل پاسخ‌های متفاوتی به این سؤال می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: سوریه، حقوق بین‌الملل، آمریکا، سلاح‌های شیمیایی، توسل به زور.

۱. مقدمه

موضوع جنگ داخلی، نقض حقوق شهروندان و مداخله بشردوستانه در چارچوب اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، همواره در برگیرنده مباحثی گسترده، دامنه‌دار و مجادله‌برانگیز بوده که ابعاد و پیامدهای حقوقی آن در سال‌های اخیر به واسطه شکل‌گیری آثار و نظریه‌های گوناگون، برجسته‌تر شده است. پنج‌سال از آغاز خیزش‌ها و انقلاب‌ها در کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا می‌گذرد. در این میان، سوریه نیز در زمره کشورهایی قرار گرفت که این ناآرامی‌ها را به‌گونه‌ای متفاوت به خود دید. هنگامی که در سال ۲۰۱۱ جنگ داخلی در سوریه آغاز شد، انتظار می‌رفت دستگاه سیاسی این کشور در مدت کوتاهی واژگون شود یا در نهایت راهی برای روشن کردن آتش جنگ علیه آن پیدا کنند. ولی همچنان که بحران پیچیده‌تر شد، آمریکا و متحدان آن، به‌گونه‌ای فزاینده، دست به اقدامات و سناریوهایی زدند تا این کشور را از هم پاره کنند. بدین مفهوم که بحران سوریه با دخالت خارجی به جنگی همه‌جانبه علیه نظام حاکم بر این کشور تبدیل شد و مداخله در این کشور در قالب حمایت‌های مالی، معنوی و تسلیحاتی محور غربی - عربی مخالف حکومت اسد از معارضین مسلح در سوریه تحقق پذیرفت.

با گره خوردن هرچه بیشتر این بحران، در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در نزدیکی دمشق حمله‌ای شیمیایی رخ داد که بیش از هزار نفر در آن کشته شدند. در این راستا جان کری - وزیر خارجه آمریکا - اذعان نمود که رژیم بشار اسد در شش حمله جداگانه شیمیایی اقدام به قتل عام ۱۴۲۹ شهروند خود از جمله ۴۲۶ کودک نموده است (۲: ۲۰۱۳, Richter). خبری که خشم جامعه جهانی را برانگیخت و به سرعت بعد بین‌المللی به خود گرفت. اتفاقی که همچنان عاملان آن مشخص نشده است. فارغ از بحث مسئولیت این موضوع، بر کسی پوشیده نیست که استفاده از سلاح‌های شیمیایی

در جنگ‌های مسلحانه، نقض صریح قوانین بین‌المللی است. پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی در جنگ را منع کرده است. علاوه بر این، «کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی»^۱ توسعه، تولید، کسب، ذخیره، نگهداری، انتقال و یا استفاده از سلاح‌های شیمیایی را برخلاف قوانین بین‌المللی معرفی کرده است. سوریه نیز تا پیش از این رویداد تنها به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درآمده بود و عضویت کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را در کارنامه نداشت. در این میان، دولت آمریکا، بی‌درنگ سوریه را مقصر اصلی این رویداد شناخت و خواهان حمله نظامی به این کشور شد. در پی آن نیز قانون‌گذاران آمریکا خواستار اقدام شدید نظامی، از جمله تحمیل منطقه پرواز ممنوع شدند و کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ با اکثریت آراء (۷ رأی از مجموع ۱۰ رأی) اقدام نظامی را در قبال سوریه مورد تأیید قرار داد (Brown, ۲۰۱۳: ۶). ممکن است درست به نظر برسد که بگوئیم ابرقدرت‌های جهان قادرند به طور عملی از ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی دفاع کنند. اقدام عملی در حفظ حقوق بین‌الملل بخش غیرقابل تفکیک حقوق بین‌الملل است و راه اساسی تضمین بقای این علم می‌باشد. اما این بهانه‌ای برای آمریکا به شمار آید تا اقدام یکجانبه احتمالی خود را توجیه کند. همین انعطاف و گشودگی موجود در تفسیر نظریه حقوق بین‌الملل عملی در کنار اصولی مانند عمل مقابل می‌تواند خطرناک قلمداد گردد. این تفسیر به مطلوب باعث شد تا در میان کارشناسان حقوق بین‌الملل، موضوع و ابعاد آن از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گیرد. می‌دانیم که از نظر حقوق بین‌الملل، توسل به زور یا در صورت دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) یا با مجوز شورای امنیت توجیه حقوقی دارد؛ لذا چون هیچ‌یک از این دو شرط در مورد سوریه فراهم نبود؛ حقوقدانان دولت آمریکا سعی کردند تا قضیه کوزوو و «مداخله بشردوستانه» را «الگوی حقوقی» مناسب برای حمله به سوریه معرفی نمایند. در این میان، اگرچه این جنگ با محاسبات هزینه - فایده آمریکا و متحدانش به وقوع نپیوست و اقدام نظامی پس از تغییر موضع ناگهانی و در ظاهر به دلیل مخالفت پارلمانی با حمله

در انگلیس، آمریکا و فرانسه منتفی شد؛ اما به جهت اهمیت دامنه تضعیف حقوق بین‌الملل، مقاله حاضر تلاش خواهد کرد به‌گونه‌ای توصیفی - تحلیلی، ابعاد و جوانب حقوقی این رویداد شبیه‌سازی شده (Simulation) را بررسی و تحولات آن را با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل مورد واکاوی و تجزیه تحلیل قرار می‌دهد.

۲. چارچوب نظری و مسئله شبیه‌سازی در حقوق بین‌الملل

از ابتدای تاریخ بشر، جنگ و منازعات خشونت‌بار همواره به‌عنوان ویژگی‌های دائمی روابط بین‌الملل در نظر گرفته شده است. از سده‌های گذشته نیز حقوقدانان همواره کوشیده‌اند از کاربرد نیروی نظامی و جنگ ممانعت به‌عمل آورند و در همین حین، توسل به جنگ و منع آن نیز مورد بحث بوده است. تا سال ۱۹۲۸، ما در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای دائر بر ممنوعیت توسل به زور نداشتیم. در این سال معاهده‌ای بین وزارت خارجه آمریکا و فرانسه امضاء شد که به معاهده پاریس یا «برایان کلاگ»^۲ معروف شد و تعداد زیادی از کشورها عضو آن شدند. به‌موجب این معاهده همه دولت‌های امضاءکننده توافق کردند که در عرصه روابط خود از توسل به زور اجتناب ورزند و از همین‌رو این دسته اقدامات را مغایر با حقوق بین‌الملل در نظر گرفتند. نتیجه این شد که دولت‌های متعاقد موافقت کردند که آثار ناشی از توسل به زور را هم به‌رسمیت نشناسند. از همین‌رو بود که برای نخستین بار به‌دنبال ممنوعیت جنگ‌های تجاوزکارانه و جبران کاستی‌های موجود در میثاق جامعه ملل، استفاده از زور و قوای نظامی، از جایگاه برجسته‌تری برخوردار شد (امیدی و رضائی، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۷). سپس با انعقاد منشور ملل متحد و تأکید بر قاعده منع توسل به زور، این اصل به‌عنوان یکی از «قواعد امره»^۳ حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شد؛ اما به‌دلیل تمایلات سیاسی دولت‌ها و عدم کارایی شورای امنیت، اجرای این اصل عام حقوق بین‌الملل همچنان به‌صورت کامل تحقق نمی‌پذیرد. علی‌رغم اینکه منع استفاده از قوای قهریه نیز به صراحت در منشور ملل متحد آمده است و متعاقب توسعه و پیشرفت تدریجی آن، اما همچنان در روابط بین‌الملل شاهد بحران‌های ناشی از این وقایع هستیم؛ دلیل این امر

نیز ناشی از ضعف قواعد حقوقی نیست؛ بلکه به شیوه تفسیر و اجرای این قواعد برمی‌گردد. نظر به این مهم، پرداختن به ابهامات موجود در قالب اصول حقوق بین‌الملل، به‌گونه‌ای «شبهه‌سازی»^۴ شده حائز اهمیت مضاعف است.

شبهه‌سازی تحولات اساساً یکی از روش‌های جدید در عرصه روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و عرصه دیپلماسی است که به‌منظور تربیت حرفه‌ای کارشناسان و متخصصان استفاده می‌شود تا به هنگام مواجهه با مسائل و قضایای عملی، در پرتو پژوهش‌های پیشین و تجربه‌های به دست آمده از طریق اجرای برنامه‌های شبهه‌سازی، بتوانند به‌صورت موفق از عهده مسائل برآمده و معادلات حقوقی و دیپلماتیک را به نحوی مؤثر به نفع منافع ملی خود هدایت کنند. در حقیقت در این روش، هدف، به عهده گرفتن نقش‌های متعدد و بررسی سناریوهای از پیش تنظیم‌نشده است که فضای واقعی جهان سیاست را به نمایش گذارده و ضمن یادگیری و آموزش، وظایف سازمان‌ها، اشخاص، نمایندگان و هیئت‌های مختلف در هر قضیه خاص با ابعاد بین‌المللی یا حقوقی و توانایی‌های بالقوه خود را در وقایع احتمالی شکوفا می‌سازند. امروزه تأکید بر استفاده از این روش بیشتر از آن جهت واجد اهمیت است که نظریه‌پردازان و متخصصان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، استفاده از بازی‌های سیاسی برای تصدیق فرضیات مربوط به جهان واقعی را ضروری می‌دانند (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۶).

بنابراین، روش شبهه‌سازی در حل بحران‌های حقوقی بین‌المللی، مؤثرترین شیوه برای یافتن مهارت در حوزه حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود. حال نظر به آنکه ظرف یک قرن گذشته، بیشتر جنگ‌افروزی‌ها در عرصه جهانی با تلاش برای ایجاد حقانیت و اجماع جهانی و بر اساس ملاحظات حقوق بین‌الملل توجیه و مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ شبهه‌سازی مذاکرات جنگ و حقوق بین‌الملل نیز در این چارچوب قابل تأمل بوده و موضوعیت می‌یابد. بی‌شک بحران به وجود آمده در سال ۲۰۱۳ و تهدیدات نظامی کشورهای غربی علیه سوریه با ادعای استفاده دولتی از تسلیحات شیمیایی در این

کشور نیز می‌تواند مورد جالبی برای بررسی و تحقیق در این خصوص باشد.

۳. تسلیحات شیمیایی و قواعد حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل در موارد استفاده واقعی یا احتمالی از تسلیحات ممنوعه مانند سلاح‌های شیمیایی، هیچ‌گونه استثنایی را برای استفاده خودسرانه از زور توسط کشورهای که با کشور متهم در حال جنگ نیستند، در نظر نگرفته است. نزدیک‌ترین اصل به این مورد، اصل «اقدام تلافی‌جویانه» است که به‌عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این قاعده عرفی، هر کشوری می‌تواند علیه کشوری که به صورت غیرقانونی و خارج از چارچوب منشور ملل متحد به او حمله کرده است، دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند. این اقدام تلافی‌جویانه نیز تنها باید پس از احراز جرم، آن‌هم به‌عنوان آخرین راه‌چاره برای وادار کردن طرف مقابل به دست برداشتن از اقدامات غیرقانونی‌اش، صورت پذیرد (۱۸۸-۱۸۵: Darcy, ۲۰۰۳). به همین جهت و نظر به آنکه کشورهای پیشنهاد دهنده حمله نظامی به سوریه در حال جنگ با این کشور نبودند، به این قاعده عرفی نیز نمی‌تواند استناد کنند. این در حالی است که در واقع، در تاریخ پنجم ماه مه، بازرس و محقق حقوق بشر ملل متحد «کارلا دل پونته»^۵ یافته‌های کمیسیون تحقیقاتی مستقل ملل متحد در رابطه با سوریه را به این شرح اعلام کرد: «مطابق اسناد و شواهدی که ما جمع‌آوری کرده‌ایم، شورشیان نیز از تسلیحات شیمیایی در سوریه استفاده کرده و گاز سارین به کار برده‌اند»^۶. بنابراین هر دو قاعده دفاع مشروع و اقدام تلافی‌جویانه تنها در صورت احراز درگیری مسلحانه بین کشورها امکان پیاده‌سازی دارد. از طرفی این سؤال مطرح می‌شود که شورشیان چگونه به سلاح‌های کشتار جمعی دست یافته‌اند. جالب آن‌که مطابق قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت که در سال ۲۰۰۴ به ابتکار خود آمریکایی‌ها و به‌منظور جلوگیری فیزیکی از انتقال سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی، بیولوژیکی...) سیستم حمل آن همچون موشک‌ها، راکت‌ها و دیگر وسائل مشابه و همچنین مواد و فناوری لازم برای ساخت این سلاح‌ها در دریا، هوا و خشکی به تصویب رسید؛ (UNSCR ۱۵۴۰

۲۰۰۴, (S/RES/۱۵۴۰)) اکنون با مشاهده برخورداری و استفاده گروه‌های معارض و تروریستی در سوریه به انواع این تسلیحات، ادعاهای آمریکا در سوریه بیش از پیش محل تردید بوده و عملکرد این کشور، نقض صریح همین قطعنامه نیز به شمار می‌رود. از سویی، هرگونه اقدام نظامی برای وادار کردن کشوری به دست برداشتن از اقدامات غیرقانونی، باید مجوز شورای امنیت را داشته باشد و در شرایط عدم کارایی شورای امنیت و اختلاف در میان اعضای دائم (در اینجا اختلاف میان روسیه و چین با آمریکا، انگلستان و فرانسه) راهکار قانونی، استفاده از ظرفیت مجمع عمومی ملل متحد خواهد بود که بر اساس بند ۱ ماده ۲۴ قطعنامه ۱۹۵۰ «اتحاد برای صلح»^۷ در چنین شرایطی پیش‌بینی شده است. هرچند در این بحران ظاهراً اراده سیاسی لازم برای استفاده از این ظرفیت قانونی و مشروع نیز وجود نداشت. (Carswell, ۲۰۱۳: ۴۶۶-۴۶۸).

از دیگر سو، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و نهادها و رویه‌های تأسیسی آن برای واکنش به نقض تعهدات در زمینه استفاده از تسلیحات شیمیایی، از این دیدگاه در مورد واکنش به کاربست سلاح‌های شیمیایی حمایت کرده و به‌جای اقدامات خودسر و یک‌جانبه، رویه‌های جمعی برای تحقیق و واکنش نشان دادن به نقض تعهدات را ضروری می‌داند. الحاق به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^۸، به اندازه کافی جهان‌شمول است؛ اما قوانین و رویه‌های تأسیسی آن در زمینه واکنش به استفاده از تسلیحات شیمیایی از کمترین میزان قانع‌کنندگی برخوردار است. یکی از ارگان‌های کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، بخش متخصصین دائمی آن است که به‌منظور بررسی و در صورت لزوم حل و فصل اختلافات مربوط به نقض تعهدات کنوانسیون از جمله استفاده از تسلیحات شیمیایی تأسیس شده است. این ارگان، در صورت لزوم امکان ارجاع دعاوی به دیوان بین‌المللی دادگستری را فراهم می‌کند. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز به فراهمایی کشورهای عضو اجازه می‌دهد برای به اجرا درآوردن مفاد کنوانسیون در خصوص اقدام جمعی کشورهای عضو مطابق با قوانین بین‌المللی توصیه‌هایی را به دولت‌ها ارائه دهند. همچنین در کنوانسیون آمده است که در موارد خاص، فراهمایی

باید برای کسب اطلاعات بیشتر و نتیجه‌گیری، توجه مجمع عمومی و شورای امنیت را به موضوع جلب کند،^۹ و نه اینکه کشوری به بهانه پایان دادن به بحران و به تنهایی درصدد مداخله نظامی برآید. در واقع «حقوق بین‌الملل، از هیچ‌گونه مکانیسمی که کشوری به صورت فردی درصدد «مجازات» کشوری دیگر باشد حمایت نمی‌کند؛ حتی اگر این موضوع به نقض هنجارهای بین‌المللی و از جمله منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی برگردد» (Schmitt, ۲۰۱۳: ۷۵۰).

اگرچه قوانین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (مصوب ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳) تنها شامل دولت‌های عضو است، اما این کنوانسیون ماهیتاً، اولین نهاد برای شور و مشورت در مورد مسئله سوریه محسوب می‌گردد. در مقدمه کنوانسیون تسلیحات شیمیایی هدف از کنوانسیون چنین عنوان شده است: «به خاطر بشریت، حذف کامل امکان استفاده از تسلیحات شیمیایی از طریق اجرای این پیمان مدنظر قرار گرفته است». قرارداد بین ملل متحد و سازمان منع تسلیحات شیمیایی، برای مواردی که این تسلیحات نیز توسط دول غیر عضو مورد استفاده قرار گیرد ماده‌ای را پیش‌بینی کرده است. مطابق این قاعده، سازمان منع تسلیحات شیمیایی باید در مواردی که دول غیر عضو متهم به استفاده از تسلیحات شیمیایی شده و یا این نقض قانون در حوزه سرزمینی کشور غیرعضوی صورت پذیرفته باشد، با تقاضای دبیر کل ملل متحد، به صورت بسیار صمیمانه و نزدیک با وی همکاری کند. در واقع این همان قاعده‌ای است که بازرسان ملل متحد هم‌اکنون با استناد به آن در سوریه حاضر شده‌اند. تمامی این ملاحظات بر دقت و شفافیت حقیقت‌یابی افزوده و پایبندی به رویه کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و ملل متحد را تقویت می‌کند. با این حال ایالات متحده آمریکا تلاش کرده است تا از طریق ادعاهای خود، تلاش‌های ملل متحد و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی را تضعیف کرده و به حاشیه براند. به عنوان مثال آمریکایی‌ها مدعی شده‌اند که بازرسان سازمان خیلی دیر اقدام کرده‌اند و بنابراین قادر به جمع‌آوری شواهد کافی مرتبط با پرونده نیستند (Porter, ۲۰۱۳: ۳).

در ادامه همین روند، سخنگوی دولت اوپاما، ادعا کرده بود که دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی علیه شهروندان خود استفاده کرده است. البته این ادعا هنوز اثبات نشده و شواهدی نیز توسط سایر ارگان‌های بین‌المللی درباره آن بیرون نیامده است. آن‌ها سپس مدعی شدند که منافع امنیتی حیاتی کشور آمریکا در معرض خطر قرار گرفته است. بدین مفهوم که «استفاده از تسلیحات شیمیایی در سطحی گسترده و البته احتمال اشاعه آن، به طور وقیحانه‌ای یکی از هنجارهای مهم بین‌المللی را نقض و امنیت ملی آمریکایی‌ها را تهدید می‌کند»؛ و یا این ادعا که: «این رخداد در منطقه‌ای بسیار بی‌ثبات و کشوری با همسایگان مرزی فراوان به وقوع پیوسته و بسیاری از متحدین و دوستان ما در معرض خطر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین ما معتقدیم که باید به سوریه بفهمانیم استفاده گسترده و بی‌رویه از تسلیحات شیمیایی قابل قبول نیست»^{۱۰}. اوپاما همچنین در یکی از سخنرانی‌هایش اشاره کرد که: «اگر ما در برابر با این عمل شنیع، پاسخگو نباشیم، درباره نقش ما در ایستادگی در مقابل افرادی که قوانین بنیادین بین‌المللی را نقض می‌کنند، چه خواهند گفت؟ دولت‌هایی که به دنبال ساخت سلاح‌های هسته‌ای هستند چه برداشتی خواهند کرد؟ تروریست‌هایی که سلاح‌های بیولوژیکی را اشاعه می‌دهند و ارتش‌هایی که در حال نسل‌کشی هستند، چه تصور می‌کنند؟» (Blanchard et al, ۲۰۱۴: ۷). این در حالی است که ماه‌ها پیش از وقوع حمله شیمیایی در اطراف دمشق، اوپاما استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه را «خط قرمز» دولت خود خوانده بود و به نحوی عجیب آن را پیش‌بینی کرده بود. جالب‌توجه آن‌که حمله ۲۱ اوت، زمانی صورت گرفت که بازرسان تسلیحاتی ملل متحد از سوی بشار اسد به سوریه دعوت شده بودند. از طرفی نیز قبل از وقوع حمله شیمیایی، این کشور با حمایت ترکیه، بریتانیا و عربستان، در کوه‌ها و بیابان‌های اردن عملیات نظامی «شیر مشتاق»^{۱۱} را برای حمله به سوریه تدارک دیده بودند. موضوعی که به‌روشنی از آن حکایت دارد که تدارک و انگیزه جهت مداخله و اقدام نظامی، حداقل یک سال پیش از بحث استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه در دستور کار قرار داشته است (Hart, ۲۰۱۳: ۳۷۷) از سوی دیگر

در ماده ۶ اساسنامه فراهمایی لندن که به منظور تأسیس یک دادگاه نظامی برای محاکمه و مجازات جنایتکاران بزرگ جنگی تشکیل شد، برنامه‌ریزی، تمهید، پیش‌دستی و شروع یک جنگ تجاوزکارانه را به مثابه جنایت علیه صلح تلقی کرده است؛ بنابراین، هیچ‌یک از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل اجازه نمی‌دهد که دولتی صرفاً به خاطر ادعاهای نخبگان امنیت ملی خود مبنی بر اینکه «منافع حیاتی امنیت ملی ما به خطر افتاده است» و یا اعتقاد به اینکه «کشوری قوانین بین‌الملل را نقض کرده است»، به دولت دیگر حمله کند. هیچ کشوری هم به‌طور قانونی نمی‌تواند برای جلوگیری از اقدامات احتمالی آینده دولت‌های دیگر به آن‌ها حمله کند.

البته چنین اقدامی در گذشته توسط سلف اوپاما، جرج بوش، تحت عنوان «دفاع پیش‌دستانه» صورت پذیرفته است و گستره این عمل تا جایی پیش رفت که هم‌اکنون دفاع پیش‌دستانه در قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است؛ اما این قاعده محدود به شرایط بسیار حیاتی و فوری است. در واقع، مبنای حقوقی دفاع پیش‌دستانه، به بیانیه سال ۱۸۳۷ دانیل وبستر^{۱۲} در موضوع حادثه «کشتی کارولین» برمی‌گردد: «دفاع از خود تنها هنگامی قابل توجیه است که ضرورت اقدام فوری و قاطع وجود داشته و هیچ چاره دیگری یا فرصتی برای تصمیم‌گیری باقی نمانده باشد» (Ackerman, ۲۰۰۳: ۲)؛ امری که اسرائیل نیز در حمله ناگهانی به نیروگاه هسته‌ای عراق (اوسیراک) در هفتم ژوئن ۱۹۸۱ آن را در راستای دفاع پیش‌دستانه مطمح نظر قرار داد؛ اما این توجیحات در هیچ‌کدام از تحولات سوریه مصداق نمی‌یابد. یکی از اهداف اساسی ملل متحد و منشور آن، ممانعت از حمله کشورها به یکدیگر و ایجاد رویه‌ای برای حل و فصل منازعات است. این رویه مستقیماً برخاسته از این واقعیت است که کشورهای قدرتمند اغلب با یک بهانه، به عنوان مثال در معرض خطر حمله قرار گرفتن یا مورد حمله واقع شدن، وارد جنگ با کشورهای دیگر می‌شوند.^{۱۳} حتی در مورد دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز آمده است که «اعضا باید اقدامات خود در قالب دفاع مشروع را هر چه سریع‌تر به شورای امنیت گزارش دهند تا این شورا بتواند مراحل ضروری را برای

بازیابی صلح و امنیت بین‌الملل به اجرا رساند و به محض شروع اقدامات شورای امنیت، دفاع از خود باید متوقف شود». نظر به آنکه دولت‌ها نمی‌توانند ادعا کنند که مورد حمله یا تهدید مستقیم واقع شده‌اند، تعیین اینکه آیا صلح و امنیت بین‌المللی در معرض خطر قرار گرفته یا خیر و اینکه برای بازگرداندن صلح و امنیت چه ترتیبات و اقداماتی باید صورت بگیرد، شورای امنیت ملل مسئولیت دارد؛ لذا در این خصوص، به‌روشنی قابل درک است که اقدام ایالات متحده آمریکا در تدارک حمله به سوریه به بهانه واهی استفاده حکومت مرکزی سوریه از تسلیحات شیمیایی و به‌گونه‌ای فوری و بلادرنگ، فاقد مشروعیت و با منشور ملل متحد و اصول و قواعد کنوانسیون و سازمان منع تسلیحات شیمیایی نیز در تعارض است.

۴. یکسان‌سازی موضوع کوزوو با مناقشه سوریه

مقامات بلندپایه در واشنگتن معتقد بودند که جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ میلادی، شباهت‌هایی با وضعیت سوریه در ماه اوت ۲۰۱۳ داشته است. به مانند امروز، روسیه از حکومت وقت یوگسلاوی حمایت می‌کرد و به همراه چین صدور مجوز شورای امنیت برای مداخله نظامی را مسدود کرده بودند. از همین‌رو دولت آمریکا مجبور شد در واکنش به خشونت‌های مسلحانه دولت یوگسلاوی علیه مردم کوزوو، بدون مجوز شورای امنیت به این کشور حمله کند. در آن مقطع، بیل کلینتون - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - با استفاده از تأیید و حمایت ناتو و استفاده از منطق حمایت از غیرنظامیان در برابر حملات مسلحانه، برای حمایت از کوزوو در مقابل دولت مرکزی یوگسلاوی، این کشور را مورد هدف حملات هوایی قرار داد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین تلاش‌های آمریکا برای ورود و اقدام نظامی علیه سوریه، تلاش برای یکسان‌انگاشتن شرایط سوریه با کوزوو در سال ۱۹۹۹ بود. بر همین اساس، حقوق‌دان‌های دولت آمریکا درصدد بودند تا با طرح دکترین‌های جدید - مثلاً «حمله بشردوستانه پیشگیرانه» - بدعت جدیدی در حقوق بین‌الملل پایه‌گذاری کرده و آن را پایه حقوقی اقدام نظامی علیه سوریه قرار دهند. طرح دکترین‌ها و نظریه‌های جدید

حقوقی که منطبق با نیازها و شرایط راهبردی و سیاسی واشنگتن باشد، دارای پیشینه تاریخی است. نظریاتی مانند «حمله پیشدستانه»^۴ (همچون سال ۲۰۰۱ و حمله به افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر) و «حمله پیشگیرانه»^۵ (همچون حمله به عراق در سال ۲۰۰۳) نمونه‌هایی از این دست بدعت‌هاست که وارد فرهنگ روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل شد. در مورد سوریه نیز تلاش شد چنین «پایه‌های حقوقی» سفارشی شکل بگیرد. به‌طور نمونه ایالات متحده در صدد بود تا موضوع حمله نظامی به کوزوو در سال ۱۹۹۹ و ۷۸ روز حمله هوایی مستمر در آن منطقه را در قالب نوعی سرایت آن موضوع در سوریه توجیه حقوقی کند (۷: ۲۰۱۳, Landler and Gorden); اما مشکل اینجاست که دولت آمریکا در مواضع رسمی بین‌المللی خود نیز هرگز حمله به یوگسلاوی در آن سال را از منظر «حقوقی» موجه ندانسته است. حتی خانم مادلن آلبرایت - وزیر خارجه وقت ایالات متحده - نیز جنگ کوزوو را «غیرقانونی، اما مشروع»^۶ خوانده بود (۲۱۱: ۲۰۱۳, Hass).

در همین ارتباط، آنچه مقام‌های آمریکایی همواره در توجیه جنگ ۱۹۹۹ بالکان مطرح کرده‌اند، استدلال‌های «اخلاقی» بوده که لاجرم نمی‌تواند پایه «حقوقی» مناسبی برای مورد دیگری قلمداد شود. مضاف بر اینکه در مورد کوزوو، اقدام نظامی برای پایان دادن به قتل‌عامی «در حال وقوع» انجام گرفت؛ حال اینکه در مورد سوریه - جدا از اینکه هویت عامل حملات شیمیایی به صورت جدی مورد تردید است - به نظر می‌رسد که در آن مقطع، تصمیم برای حمله نظامی احتمالی به سوریه، بیشتر جنبه تنبیهی یا هشدار داشته است. لذا افزون بر اینکه اقدام نظامی ناتو در قضیه کوزوو بدون مجوز شورای امنیت صورت گرفت و در همان زمان نیز از سوی جامعه جهانی غیرقانونی تلقی شد؛ سایر متحدین آمریکا در ناتو نیز همواره از مورد کوزوو به یک استثنا یاد کرده‌اند، نه قاعده‌ای که بشود به آن برای حمله به سایر کشورها استناد کرد. مواضعی که از جانب مقامات آمریکایی در دفاع از ضرورت اقدام نظامی بیان شد، دست‌کم بیشتر مؤید این ادعاست و هرگز نمی‌توان، مداخله «تنبیهی» را - پس از واقعه - پایه حقوقی

مناسبی برای اقدام نظامی قلمداد نمود.

از سویی در آن مقطع، پیش از دخالت نظامی ناتو، شورای امنیت وضع در کوزوو را تهدیدی نسبت به صلح شناخته بود، اما مخالفت روسیه و چین، شورای امنیت را در صدور مجوز ناکام گذاشت که در نتیجه آن، علیرغم غیرقانونی بودن اقدام و مخالفت شورای امنیت، ناتو مجبور به مداخله شد. ضمن اینکه شورای امنیت وضعیت کوزوو را همواره به عنوان یک «وضعیت ویژه» تعریف می‌کرده تا در این ارتباط ایجاد رویه نکرده باشد (امیدی و رضائی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)؛ ولی شورای امنیت وضع سوریه را تهدیدی نسبت به صلح تشخیص نداده بود تا بر پایه آن اقدامی صورت پذیرد. دوم آنکه اقدام نظامی در کوزوو تنها از سوی یک قدرت استیلا جو نبود؛ بلکه از سوی نوزده کشور عضو ناتو صورت گرفت هر چند مداخله ناتو در امور کوزوو به عنوان اقدام جمعی یا مداخله بشردوستانه نیز فاقد مشروعیت و صلاحیت قانونی بود. نکته آخر اینکه تا به حال، جز در قضیه کوزوو و لیبی، سابقه نداشته که رؤسای جمهور آمریکا بخواهند بدون برقراری ارتباط مستقیم میان ضرورت مداخله نظامی و منافع و امنیت ملی آمریکا، کشورشان را در کانون یک جنگ بین‌المللی قرار دهند. از نگاه کنگره و افکار عمومی آمریکا، حمله به سوریه نه از زاویه «دفاع مشروع» پذیرفته است (چرا که سوریه به آمریکا حمله نکرده است) و نه از منظر «منافع و امنیت ملی» قابل طرح است (چرا که نه اتباع و نه اموال ایالات متحده مستقیم مورد تهدید سوریه قرار گرفته است). رئیس‌جمهور هم تنها در موارد ضروری، دفاع مشروع یا حفظ فوری منافع ملی، قادر است بدون مجوز کنگره اقدام نظامی انجام دهد.

۵. عدم سرایت دکترین مسئولیت حمایت در قضیه سوریه

دکترین «مسئولیت حمایت» از جمله مفاهیم جدید در حقوق بین‌الملل است که در سال ۲۰۰۵ بروز و ظهور یافت و تکیه اصلی آن نیز بر امنیت انسانی و مداخلات بشردوستانه است. مفهوم مسئولیت حمایت، دربرگیرنده سه عنصر مسئولیت بازدارندگی، مسئولیت واکنشی و مسئولیت بازسازی است. این دکترین در تلاش است گزینشی عمل

کردن مداخلات بشردوستانه را که تحت لوای نیت سیاسی دولت‌های مداخله‌گر انجام می‌شود، مورد تدقیق و تصحیح قرار دهد و در برابر چهار جرم اصلی مندرج در اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری^{۱۷} یعنی نسل‌کشی، جنایت جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایت علیه بشریت مورد استفاده و استناد اقدام نظامی از مجرای ملل متحد قرار گیرد (Stahn, ۲۰۰۷: ۱۰۰-۱۰۱). این دکترین که در سال‌های اخیر به‌منظور جلوگیری از تکرار مناقشات مرگبار و نقض حقوق بنیادین مردم و غیرنظامیان در بوسنی، کنگو، کوزوو، رواندا، سودان و اوگاندا به‌عنوان یک هنجار، مورد شناسایی و قبول حداقل بخش‌هایی از جامعه بین‌المللی قرار گرفته است (Bellamy, ۲۰۰۶: ۵-۱۵)، تنها مبنای حقوقی باقی مانده برای توجیه مداخله نظامی آمریکا در سوریه قلمداد شد. با این توضیح که مداخله نظامی فوری و فوری، با درجه بالایی از اطمینان می‌تواند از صدمه دیدن جمعیت غیرنظامیان جلوگیری کند. در واقع بیشتر کشورها برای حمله به سایرین به این اصل استناد می‌کنند. موضوعی که روسیه نیز در بحران اوکراین، با همین توجیه حقوقی، نیروهای نظامی خود را وارد شبه‌جزیره کریمه کرد.

اما اساساً این دکترین در بحران لیبی شکل تازه‌ای به خود گرفت و به دنبال آن اقدام شورای امنیت ملل متحد در تصویب قطعنامه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ که حملات گسترده هوایی ناتو را علیه ارتش لیبی را به همراه داشت، مباحث حقوقی در خصوص مشروعیت این اقدامات و همچنین محدوده و حد و مرز اقدامات جامعه بین‌المللی طبق قطعنامه ۱۹۷۳ را مطرح ساخته است. به‌زعم بسیاری، این اصل از اوایل قرن بیست‌ویکم در پاسخ به کاستی‌های نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض فاحش حقوق بنیادین بشری شکل گرفته است. با این حال حتی در صورت وجود شرایط لازم، باز هم اخذ مجوز ملل متحد برای استفاده از زور ضروری است. صرفاً ارائه پرونده به شورای امنیت و کسب نتیجه نامطلوب نمی‌تواند برای مداخله نظامی دولت‌ها در سرزمین کشورهای دیگر (آن هم بر اساس ارزیابی‌های خودشان) کافی و مشروع قلمداد شود. به همین منظور، تاکنون هیچ مورد قانع‌کننده‌ای در مورد سوریه ارائه نشده است که نشان دهد

حملات موشکی و هوایی به دولت سوریه و اهداف نظامی می‌تواند مانع از استفاده مجدد تسلیحات شیمیایی شود. مواردی هم که تاکنون ارائه شده‌اند با هر محاسبه‌ای بسیار ضعیف‌اند. اگرچه شواهد ضمنی ارائه شده به مردم از طریق رسانه‌ها درباره وقوع حملات شیمیایی و بیانیه‌های دولت‌های غربی به نظر حکومت دمشق را متهم می‌کند، اما روند جمع‌آوری شواهد و تجزیه و تحلیل این رویداد حتی برای اثبات اندکی از واقعیت، تکمیل نشده است (Mazzetti and Landler, ۲۰۱۳: ۱۵).

بنابراین با توجه به فرایند صورت گرفته، هنوز کاملاً مشخص نشده که چه گروه یا گروه‌هایی مسئول حملات شیمیایی در سوریه هستند. افزون بر این با توجه به اینکه با وقوع حملات شیمیایی احتمال حمله دولت‌های غربی به سوریه برای سرنگونی رژیم اسد وجود داشته است، نیروهای مخالف اسد نیز انگیزه‌های زیادی برای استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه مردم سوری داشته‌اند. لذا شواهد سازمان اطلاعات ایالات متحده آمریکا مبنی بر اینکه دولت سوریه دستور آغاز حملات را صادر کرده چندان قطعی و یقینی نیست. اطلاعات محرمانه طبقه‌بندی شده‌ای نیز که در تاریخ ۲۹ آگوست توسط ایالات متحده آمریکا ارائه شد، چیز زیادی به شواهد موجود اضافه نمی‌کند.^{۱۸} این اطلاعات به‌جای آنکه افشاکننده واقعیت باشد، توصیف‌کننده شواهد هستند و تمامی شواهد را در جهت نتیجه‌گیری مطلوب خود ارائه می‌دهند. با توجه به پیچیدگی شرایط، فقدان تمام عیار شواهد متناقض و مبهم که ارزش بحث کردن داشته باشد بسیار به چشم می‌خورد و مختصر اطلاعات ایالات متحده، از کمترین میزان شفافیت و عینیت‌پذیری برخوردار نیست. در نهایت اگر بتوان اثبات کرد که دولت سوریه علیه ملت خود از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده است، هیچ دلیلی وجود ندارد که بشود با اطمینان گفت اقدام نظامی به رهبری ایالات متحده در قالب دکترین مسئولیت حمایت از حملات بیشتر جلوگیری کرده و خطر صدمه دیدن و مرگ غیرنظامیان را نه تنها در سوریه بلکه در تمامی منطقه، کاهش می‌دهد؛ چه‌بسا که مداخله نظامی آمریکا، سبب افزایش آسیب‌پذیری شهروندان سوری می‌گردید؛ بنابراین، مسئولیت حمایت، یکی از

دکترین‌های در حال توسعه حقوق بین‌الملل است که همچنان ناقص و پر حرف و حدیث باقی مانده است. مطابق با این قاعده، اتهام استفاده از تسلیحات شیمیایی در چارچوب جنگ داخلی آن‌هم در یک جامعه شهرنشین پرتراکم مطرح می‌شود که به همان نسبت، تغییر خطوط نبرد، پناهندگی مبارزین از یک جناح به جناح مقابل و حضور نیروهای نامنظم در هر دو طرف، وظیفه شناسایی مسئول حملات در هر وضعیت را (از جمله در هنگام استفاده از تسلیحات شیمیایی) بسیار دشوار می‌سازد.

با وجودی که دکترین مسئولیت حمایت در حال تکامل است، اما کاملاً مشخص شده است که حتی در شرایطی که این اصل کاملاً قابل اجرا باشد، حقوق نظامی مربوط به جنگ‌های بین‌الدولی باعث می‌شود که نتوان، بدون محدودیت و بلاشرط به این اصل استناد کرد. بزرگ‌ترین مشکل در این زمینه، مربوط به جمعیت یک کشور در برابر دولت و ارتش آن است. در جنگ میان دول، هدف قرار دادن غیرنظامیان ممنوع اعلام شده و در هنگام حمله قانونی به اهداف نظامی، ضروری است برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان، تمامی اقدامات منطقی صورت پذیرد؛ اما کشته شدن برخی شهروندان و نابودی اشیاء غیرنظامی و نیز تخریب برخی زیرساخت‌ها به صورت ضمنی و در فرایند جنگ، مجاز اعلام شده است. البته تا جایی که ادوات مورد استفاده قادر به تمایز اهداف نظامی و غیرنظامی باشد و تلفات غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌ها متناسب با مزایایی اکتسابی قطعی و صریح این حمله نظامی باشد^{۱۹} (Geneva Conventions, Additional Protocol I, Art ۵۱). از طرفی اگرچه در چارچوب مسئولیت حمایت، بخش کثیری از جمعیت غیرنظامیان نیازمند حمایت و حفاظت در برابر حملات ارتش و دولت خود هستند، در مورد سوریه، نباید تحت عنوان شناسایی و اعمال تمایز میان مردم با دولت و ارتششان به دنبال پیاده‌سازی این قاعده بود. در عوض هرگونه اقدام نظامی که در چارچوب اصل مسئولیت حمایت صورت می‌گیرد باید در استانداردهای بالا، مانند آموزه حقوقی «ضرورت» در حقوق داخلی یعنی «دفع افسد به فاسد» اجرا شود. چنین استناداردی یکی از جنبه‌های اصل

مسئولیت حمایت است که استفاده از زور باید کمترین میزان خشونت و بی‌ثباتی را ایجاد کند و آسیب‌های آن تحت هیچ شرایطی نباید بیش از آن چیزی باشد که برای مقابله با آن، مجاز شمرده شده است.

چنین استاندارد بالایی به نظر در مورد سوریه قابل اجرا نمی‌رسد. حملات هوایی و موشکی به ناچار صدمات زیادی را متوجه غیرنظامیان می‌کند. از طرفی، احتمال اینکه، بمباران‌های هوایی و موشکی مدنظر ایالات متحده و متحدانش بتواند منجر به بازدارندگی و عدم استفاده دوباره از تسلیحات شیمیایی توسط دولت سوریه شود بسیار پایین است. حملات مستقیم به ذخایر و ادوات سلاح‌های شیمیایی نیز می‌توانست منجر به انتشار مواد شیمیایی و تلفات وسیع غیرنظامیان شود. از این‌رو این شیوه هم به احتمال زیاد رد می‌شود. حملاتی با دامنه معین نیز که قادر باشد زمینه‌های بالقوه تأمین تسلیحات شیمیایی را از بین ببرد، برای بازدارندگی در برابر کشوری که نیروهای معارض آن نیز از این تسلیحات برخوردارند و ممکن است ابایی در استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه مخالفان خود نداشته باشد مناسب نیست و به‌علاوه در یک درگیری شیمیایی متقابل، منجر به تلفات بسیار بالای غیرنظامیان خواهد شد. فراتر از این، هرگونه اقدام نظامی توسط ایالات متحده آمریکا و متحدانش ریسک افزایش دامنه خشونت در منطقه را بالا خواهد برد. پایگاه‌های نظامی آمریکا و کشورهای میزبان آن‌ها، یا دولت‌هایی که در حمایت از اقدام نظامی آمریکا قصد شرکت در جنگ را داشتند، می‌توانستند به دلایل مختلف موضوع مقابله به مثل دولت سوریه و یا حملات نیروهای درگیر در منازعات قرار بگیرند. نزاعی که هم‌اکنون تمامی کشورهای منطقه را به نحوی درگیر کرده است. نکته دیگر این‌که با حمله نیروی نظامی ایالات متحده و واکنش‌های دولت‌هایی که بر مبنای برنامه‌های خود از نیروهای شورشی سوری به‌صورت نظامی و غیرنظامی حمایت کرده و به دنبال شدت بخشیدن به سطح درگیری‌ها هستند، تقویت خواهد شد؛ بنابراین، منشور ملل متحد تمامی دولت‌های عضو را ملزم کرده که اختلافات خود را به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز حل و فصل کرده و در روابط بین‌الملل از

تهدید به استفاده از زور علیه تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی هر دولتی و به هر شیوه‌ای که مغایر با اهداف ملل متحد باشد خودداری ورزند. استقرار فوری و آشکار نیروهای دریایی ایالات متحده، انگلستان و فرانسه و نیز تعجیل در قضاوت نهایی که در اصل و ماهیت در زمره وظایف فرایند حقیقت‌یابی و تصمیم‌سازی ملل متحد و سازمان منع تسلیحات شیمیایی است، خود نقض آشکار این تعهدات است؛ اما اساساً بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی موجود و آراء بسیاری از حقوقدانان، هرگونه مداخله نظامی در قالب دکترین مسئولیت حمایت باید واجد ویژگی‌ها و تحقق شرایط شش‌گانه زیر باشد:

(۱) در گام نخست، مورد (ادعا یا اتهام) باید اثبات شود.^{۲۰}

(۲) گزینه‌های صلح‌آمیز باید خسته یا ناکارآمد شده باشند.^{۲۱}

(۳) شورای امنیت باید در عمل ناتوان شده باشد.^{۲۲}

(۴) نیروی نظامی می‌بایست کم شدت و صرفاً برای محافظت از مردم و غیرنظامیان مدنظر قرار گیرد.^{۲۳}

(۵) همین استفاده از نیروی نظامی کم شدت باید توسط مراجع ذیصلاح مجاز شمرده شود.^{۲۴}

(۶) مداخله باید به درخواست گروه مخالف معتبر در کشور مورد نظر تحقق پذیرد^{۲۵} (Williams, Ulbrick and Worboys, ۲۰۱۲: ۴۹۱-۵۰۱).

در مورد اول، ایالات متحده و متحدان آن (فرانسه و انگلستان) هیچ‌گونه شواهد و مستندات قابل توجهی مبنی بر اینکه دمشق پشت حملات شیمیایی بوده است ارائه نکرده و تنها بر ادعاهای بی‌اساس خود پافشاری داشتند. در خصوص مورد دوم، اینکه همه طرف‌ها خواهان حل و فصل صلح‌آمیز این بحران بوده و از تمامی ظرفیت‌های دیپلماتیک استفاده شده است، تردید جدی وجود دارد. در این میان نکته سوم موضوعیت دارد؛ چرا که عملاً میان اعضای دائم شورای امنیت اختلاف شدیدی حاکم بوده و همچنان پابرجاست؛ به نحوی که این رکن اساسی ملل متحد در عمل فلج و ناکارآمد شده است. گزینه چهارم نیز با عنایت به تدارک حمله سه کشور قدرتمند و

آرایش نیروهای رزمی آن‌ها، صرفاً از حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر سوری حکایت نداشت و در واقع در راستای ساقط کردن حکومت مرکزی دمشق ارزیابی می‌گردید. مورد پنجم نیز به روشنی از نامشروع بودن این مداخله حکایت داشت؛ و در نهایت در گزینه آخر می‌توان ادعا نمود که هیچ گروه مخالف معتبری در سوریه وجود ندارد؛ چرا که عملکرد این گروه‌های متعدد که نه تنها با دولت سوریه که با یکدیگر نیز اختلافات شدیدی دارند و رویکرد این گروه‌ها همچون «جبهه النصره»، «داعش»، «جبهه اسلامی سوریه»، «القاعده» و غیره با قاطعیت تروریستی است؛ بنابراین، مسئولیت حمایت اقدام نظامی ایالات متحده به سوریه علاوه نامشروع بودن، بر تشدید تنش‌ها در سطح منطقه افزوده و سبب محدود شدن گزینه‌ها برای بررسی اتهامات مطرح‌شده درباره عاملان به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی و واکنش نشان دادن به آن با حداقل خشونت ممکن می‌شود.

۶. از بدعت و تضعیف حقوق بین‌الملل تا فیصله حقوقی بحران

در بحران سوریه، اقدام به حملات موشکی در سخنان اواما این‌گونه طراحی شده بود: «یک شلیک سراسری که حاوی پیام توقف حملات شیمیایی باشد، می‌تواند در درازمدت پیامدهای مثبتی را برای امنیت ملی ما به دنبال داشته باشد» (Mazzetti and Landler, ۲۰۱۳: ۹)؛ اما به واقع، چنین حمله‌ای بیش از آنکه به فکر محافظت از غیرنظامیان باشد، سرنوشت رهبران سیاسی را که تمایل دارند قوی به نظر رسیده و نهادهای امنیت ملی کشورهای قدرتمند که مایل‌اند به‌عنوان یکی از کارهای دیپلماتیک معتبر خود، عامل تهدید آفرین را حفظ کنند، مدنظر دارد. از طرفی اگر به اظهارات اواما یک سال قبل از وقوع حمله شیمیایی و در ژوئن ۲۰۱۲ نگاه کنیم که این حمله را پیش‌بینی و آن را با توجه به ملاحظات حقوق بین‌الملل خط قرمز تلقی می‌کند (Blake and Mahmud, ۲۰۱۳: ۲۴۶) گمانه و سوءظن‌های متعددی به ذهن در خصوص سناریو بودن آن در سال ۲۰۱۳ مطرح می‌شود؛ بنابراین به فرض رد این فرضیه، این اقدام نه تنها در چارچوب اصولی چون مسئولیت حمایت نخواهد گنجد، بلکه به طور

کلی تناسب اقدام نظامی با قواعدی همچون دفاع مشروع و اقدام تلافی‌جویانه را نیز زیر سؤال می‌برد و هیچ تطابقی با استانداردها و حقوق جنگی که حفاظت حداکثری از جان غیرنظامیان را لحاظ کرده است نمی‌یافت. بمباران سوریه که اوپاما هدف از آن را ارسال یک پیام قوی و حاوی پیامدهای مثبت درازمدت برای امنیت ملی کشورش عنوان کرده بود، چندان ارتباطی با هدف اصلی یعنی ممانعت سوریه از استفاده مجدد تسلیحات شیمیایی یا دستیابی به یک مزیت نظامی مستقیم و صریح نداشت؛ بنابراین، اتهام استفاده دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی، هیچ‌گونه مبنای حقوقی را برای اقدام نظامی توسط هیچ کشور، حزب و گروهی فراهم نمی‌کند.

اقدامات خودسرانه نظامی توسط ائتلافی از کشورها با اهداف و منافع ژئوپلیتیکی در منطقه که به‌عنوان اعمال ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی توجیه می‌شود، احتمالاً در بلندمدت به تضعیف حقوق بین‌الملل بشردوستانه و موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات منجر خواهد شد و نه تقویت آن‌ها. به‌خصوص اگر دولت‌ها بر اساس اطلاعات و شواهد سری که توسط سازمان‌های خودشان جمع‌آوری شده و توسط نهادهای غیر دموکراتیک و غیر شفاف تفسیر و درباره آن تصمیم‌گیری شده است، اقدام به حمله نظامی کنند (Ahmed, ۲۰۱۳: ۱۳).

اساساً ترتیبات حقوقی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم که البته هنوز هم در این دنیای شلوغ و مملو از تجهیزات نظامی پیشرفته می‌تواند جنگ را در چارچوب روندهای قانونی قرار دهد، به حد کافی خطرناک بوده است. نظمی که در آن رهبران کشورهای قدرتمند می‌توانند با آزادی هرچه تمام، پیام‌هایی را ارسال کنند که جوهر آن از خون دولت‌های ضعیف‌تر گرفته شده است و ترتیباتی که می‌پذیرد کشوری به‌طور دائم در جنگ باشد. پیام اصلی اقدام تنبیهی علیه سوریه که در صورت عدم وجود رویه حقوقی بین‌المللی قابل اعتماد و مطابق با منشور ملل متحد به اجرا در خواهد آمد، تنها یک چیز است؛ و آن اینکه ایالات متحده آماده است تا پس از جنگ جهانی دوم، چارچوب قانونی بین‌المللی را از پا در آورده و حکومت خالص زور را برقرار سازد.

اوباما در بیانیه ۳۱ آگوست خود درباره سوریه اظهار داشت: «من به راحتی و بدون اخذ مجوز شورای امنیت که تاکنون نشان داده است در برابر سوریه و رژیم آن، ناتوان است، اقدام خواهم کرد. او با هشدار درباره هزینه‌های واکنش نشان ندادن به سوریه گفت: «هدف از سیستم بین‌المللی که ما برپا ساخته‌ایم، در شرایطی که منع استفاده از تسلیحات شیمیایی مورد توافق ۹۸ درصد کشورهای جهان و مصوب شده در کنگره آمریکا توان اجرایی ندارد، چیست؟» (Statement by the President of the U.S. on Syria, Washington, August ۳۱, ۲۰۱۳) در این راستا پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا رئیس‌جمهور آمریکا، سیستمی را که برای تمامی اقدامات خود به آن استناد می‌کند، ناکارآمد خوانده و مفهوم «گزینه‌های غیرنظامی» را به «هیچ کاری نکردن» تعبیر می‌کند؟ اگر قصد صاحبان قدرت از اعمال فشار تنبیهی به متهمین حملات شیمیایی در سوریه، تقویت هنجارهای بین‌المللی علیه استفاده از این تسلیحات وحشتناک و ممنوعه است، نتایج حاصله و اقدامات صورت گرفته در صورت قانونی بودن، شفافیت و اعتبار بیشتر آن در مجامع نمایندگی بین‌المللی، اثرات به مراتب افزون‌تری برجا خواهد گذاشت.

اقدامات تحقیقاتی و تدوین واکنش مناسب در برابر این اتهامات باید در دو مسیر اصلی ادامه یابد؛ نخست همه دولت‌ها باید اجازه دهند که اقدامات بازرسان تحت نظارت ملل متحد به درستی انجام شود و حوزه این بازرسی‌ها توسط شورای امنیت باید تا جایی گسترده شود که در صورت امکان قادر به شناسایی مسئول یا مسئولین استفاده از تسلیحات ممنوعه نیز باشد. این تحقیقات می‌تواند با توجه به مسئولیت دولت‌ها، افراد و سازمان‌ها شواهد و مدارک متقن تولید کند. به علاوه، این موضوع باید به همراه اطلاعاتی که توسط بازرسان ملل متحد به دست آمده، به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده شود تا عاملین و مقصرین این رویداد هر چه سریع‌تر تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و به مجازات برسند (۴: ۲۰۱۳, WILPF Statement) اگرچه سوریه به عضویت دادگاه کیفری بین‌المللی در نیامده است، اما مطابق با اساسنامه رم، شورای

امنیت می‌تواند پرونده‌های مربوط به کشورهای غیر عضو را نیز به این دادگاه ارجاع دهد.^{۲۶} در این خصوص دادستان نیز موظف به بررسی جرائم احتمالی تمامی بازیگران اعم از دولتی و غیردولتی است. مقررات عمومی اساسنامه، حمله مستقیم و نامتناسب به غیرنظامیان را جرم اعلام کرده است که می‌تواند درباره اتهام استفاده از تسلیحات شیمیایی نیز کاربرد داشته باشد. علاوه بر این دادگاه می‌تواند متهم را بر مبنای جرائم خاص استفاده از تسلیحات شیمیایی محاکمه کند.

از دیگر سو، کنوانسیون منع استفاده از تسلیحات شیمیایی در تمامی موارد از جمله منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی^{۲۷}، قابل پیاده‌سازی است. ممنوعیت استفاده از تسلیحات شیمیایی به‌طور گسترده مورد پذیرش همه کشورها واقع شده و حتی «کمیته جهانی صلیب سرخ»^{۲۸} و «محافظان حقوق بین‌الملل بشردوستانه» نیز درباره آن موضع‌گیری کرده‌اند و اعلام داشته‌اند که کشورهای غیر عضو کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (همچون سوریه در زمان وقوع حمله شیمیایی در این کشور)، باید به‌عنوان یک قاعده عرف بین‌الملل به این ممنوعیت پایبند باشند. از طرفی، اساسنامه رم، استفاده از تسلیحات شیمیایی در منازعات مسلحانه بین‌المللی^{۲۹} را جرم تلقی کرده است (Art ۲ Geneva Gas Protocol ۱۹۲۵, xviii, (b)). در این راستا، اصلاحیه‌ای نیز پیشنهاد شده مبنی بر اینکه دامنه شمول این قاعده به منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز گسترش یابد؛ اما تاکنون تعداد معدودی از کشورها این اصلاحیه را پذیرفته‌اند.^{۳۰} با این حال دادگاه می‌تواند، درباره اینکه آیا جرم (نه فقط ممنوعیت) استفاده از تسلیحات شیمیایی در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی هم‌اکنون به صورت یک قاعده عرفی درآمده است یا خیر و اینکه آیا می‌تواند در دادگاه اعمال شود، تصمیم‌گیری کند. پاسخ نیز احتمالاً مثبت است و بازیگران سوری را می‌توان تحت عنوان جرائم جنایی خاص و یا به طور کلی به خاطر حفاظت از جان غیرنظامیان در برابر حملات مستقیم و نامتناسب، ذیل جرائم عمومی به دادگاه فراخواند (Blank and Corn, ۲۰۱۳: ۷۱۴-۷۱۶).

حتی اگر مقصود، اقدام فوری در راستای کاهش درد و رنج مردم سوریه باشد، قدرت‌های درگیر می‌توانند این منظور را به شیوه‌ای برآورده سازند که به نسبت شیوه‌های نوین کشتار جمعی، خطرات و بی‌ثباتی‌های کمتری را به همراه داشته باشد. منازعات داخلی سوریه با حمایت‌های مالی، نظامی و تدارکاتی مستقیم و غیرمستقیم دولت سوریه و دشمنانش از سایر دولت‌ها، تحریک و تشدید می‌شود. «هانس بلیکس»^{۳۱}، سرتیم بازرسان تسلیحات کشتار جمعی در عراق که از نزدیک در اثرات متقابل کنترل تسلیحات و دستورالعمل‌های قدرت‌های بزرگ درگیر بوده است، خاطر نشان می‌سازد که: دولت سوریه و نیز تمامی گروه‌ها، به جریان‌های تسلیحاتی شیمیایی، تدارکاتی و مالی که از خارج به درون این کشور سرازیر می‌شود وابسته‌اند (Blix, ۹: ۲۰۱۳). بر اساس گزارش‌های جاری، بیشتر این کمک‌ها، از کشورهای عربستان سعودی، قطر، ترکیه و آمریکا به گروه‌های شورشی و تروریستی؛ و همچنین از ایران و روسیه به دولت سوریه اهدا می‌شود. این کمک‌ها قدرت نفوذ کشورهای تأمین‌کننده را در منازعات بالا می‌برد. ایالات متحده نیز بزرگ‌ترین تأمین‌کننده سلاح در تمامی منطقه است و بنابراین می‌تواند بیشتر از متحدانش در این منطقه اعمال نفوذ کند؛ اما دولت‌ها به‌جای اینکه از این بحران به‌عنوان فرصتی برای کشتار و خونریزی بیشتر استفاده کنند، باید بدانند که منازعات مقاوم به درمان و متداخل، ممکن است به‌طور فزاینده‌ای از کنترل خارج شود و همچنین باید در نظر داشته باشند که جریان تأمین سلاح از خارج، نقش بسیار پررنگی را در شتاب بخشیدن به یک فاجعه انسانی ایفا می‌کند.

در نهایت پس از مخالفت چین و روسیه در شورای امنیت برای مداخله نظامی در سوریه، پذیرش طرح نظارت بر سلاح شیمیایی سوریه و خلع سلاح آن در اواخر شهریور ۱۳۹۲ به‌عنوان اقدام ابتکار آمیز روسیه برای حل بحران سوریه از طرف کشورهای غربی و خود سوریه سبب شد تا التهابات ناشی از اعلام حمله نظامی به سوریه دچار وقفه شده و تحرکات آمریکا در منطقه کنترل شود. گفتنی است متن قطعنامه ۲۱۱۸ از دولت سوریه می‌خواهد تا از ذخیره‌سازی بیشتر تسلیحات شیمیایی

خودداری کرده و به بازرسان سازمان ملل اجازه دسترسی به کلیه زرادخانه‌های شیمیایی این کشور را بدهد. به دلیل اینکه قطعنامه مذکور در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده است، پیش‌بینی شده است که در صورت عدم پیروی کامل سوریه از قطعنامه مزبور، شورای امنیت مجاز خواهد بود اقدام نظامی یا غیرنظامی علیه سوریه اتخاذ نماید. این قطعنامه دارای یک مقدمه بلند و ۲۱ بند است. مقدمه این قطعنامه به بررسی تحولات سوریه، استفاده از تسلیحات شیمیایی و عملکرد ملل متحد و شورای امنیت در این خصوص اختصاص دارد که در آن بر استفاده از تسلیحات شیمیایی در روز ۲۱ اوت ۲۰۱۳ در حومه دمشق تأکید شده است، اما از هیچ طرفی به‌عنوان مسئول حمله شیمیایی نام نبرده است. همچنین در این قطعنامه کاربرد هرگونه تسلیحات شیمیایی به شدت محکوم شده است، دولت سوریه موظف شده که تسلیحات شیمیایی خود را تحویل دهد و به بازرسان بین‌المللی اجازه تردد آزادانه دهد. بر این موضوع نیز تأکید شده است که در صورت عدم همکاری سوریه با بازرسان بین‌المللی، برای به‌کارگیری نیروی نظامی علیه سوریه به تصویب یک قطعنامه دیگر نیاز است (UNSC Resolution ۲۱۱۸, September ۲۷ ۲۰۱۳)؛ وجود این شرط در قطعنامه عملاً استفاده از «اهرم ماشه»^{۳۲} را خنثی کرده است. به این ترتیب که برای هرگونه اقدام نظامی علیه سوریه نیاز به رجوع به شورای امنیت و گرفتن مجوز لازم در این زمینه است که بدون شک این مسئله هم با توی روسیه و چین مواجه خواهد شد.

آنچه به‌عنوان نتیجه قطعی قطعنامه ۲۱۱۸ باید مورد اشاره قرار داد، این است که این قطعنامه هم دستاوردی عملی برای سوریه و کشورهای حامی دمشق و هم دستاوردی برای کشورهای غربی مانند آمریکا و فرانسه و در نهایت یک ناکامی برای حامیان منطقه‌ای جریان‌های مسلح فعال در سوریه بود. سوریه در این قطعنامه که بیشتر به بیانیه‌ای مصوب در شورای امنیت شباهت دارد - زیرا الزامات آن با چارچوب اجرایی فصل هفتم منشور ملل متحد منطبق نیست - موفق شد تا به‌جای نابودی زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی‌اش که در اثر حمله نظامی نابود می‌شد، تسلیحات شیمیایی خود را

نابود کند. به عبارت دیگر دمشق با تصویب این قطعنامه جامعه جهانی را ملزم کرد تا تسلیحات شیمیایی این کشور را با هزینه خود غرب از بین ببرند تا پس از این نابودسازی، دیگر بهانه‌ای برای اقدام نظامی علیه آن به بهانه استفاده از تسلیحات شیمیایی وجود نداشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

تجربه نشان داده است که کاربرد زور و در پیش گرفتن سیاست قدرت موجب تضعیف هر چه بیشتر حقوق بین‌الملل می‌شود. لذا هرگونه اقدام نظامی خودسرانه با توجیهات مختلف بدون مجوز شورای امنیت نیز تجاوز قلمداد شده و در بردارنده مسئولیت بین‌المللی است. قوانین بین‌الملل در این خصوص بسیار ساده است. بر اساس منشور ملل متحد که خود ایالات متحده نیز نقش اساسی را در تدوین آن داشته است، کشورها به‌طور عام از بکار بردن زور علیه یکدیگر منع شده‌اند؛ مگر در دو حالت: ۱- دفاع از خود به‌طور انفرادی یا جمعی ۲- استفاده از زور بر اساس مجوز شورای امنیت ملل متحد. اگرچه در تاریخ بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده بارها کوشیده تا با سوءاستفاده از حالت استثناء اول، شرایط مختلف مورد نظر خود را به شکلی تعریف کند که بتوان آن را نوعی دفاع انفرادی یا جمعی تصور کرد، اما در خصوص موضوع سوریه این امر ممکن نبوده و بیانیه‌های رسمی ایالات متحده نیز ادعای حمله شیمیایی دولت سوریه را «وقاحت اخلاقی» توصیف کرده‌اند. با این حال هر چقدر آمریکایی‌ها برای اثبات ادعای خود مبنی بر دشمنی دولت و ملت سوریه و تقبیح بشار اسد تلاش کنند، هیچ حمله‌ای توسط دولت سوریه علیه ایالات متحده و یا متحدانش صورت نگرفته که آمریکا بتواند حمله نظامی خود را با نام دفاع انفرادی یا جمعی توجیه کند.

از سوی دیگر با وجود حمایت‌های روسیه و چین به‌گونه‌ای ضعیف‌تر از سوریه، تصویب قطعنامه شورای امنیت علیه این کشور نیز ممکن نشد و صدور مجوز این شورا برای حمله به سوریه نیز منتفی شد؛ در نتیجه ایالات متحده در شرایطی قرار گرفت که هیچ استدلال قانونی برای استفاده از زور علیه سوریه در دست نداشت. در این میان

برخی کشورها و سازمان‌های غیردولتی تلاش کرده‌اند تا با جا انداختن دو لفظ «مداخله بشردوستانه» و «مسئولیت حمایت» استثناءهای دیگری را نیز برای حمله به کشورها بدون مجوز شورای امنیت تعریف کنند.

استدلال این دو اصطلاح بر این اساس است که هر کشوری از لحاظ اخلاقی موظف به حفاظت و حمایت از شهروندان خود است و اگر با ارتکاب به کشتار، از این وظیفه تخطی کند، استفاده از زور می‌بایست به عنوان یک ابزار برای برخورد با کشور مذکور دیده شود؛ اما برای هیچ‌یک از این دو حالت، لازمه اجرایی در قوانین بین‌الملل دیده نشده است و حتی با آنکه ملل متحد در سال ۲۰۰۵ موضوع مسئولیت حمایت را مورد تأیید قرار داد؛ اما بر لزوم وجود مجوز شورای امنیت برای هرگونه مداخله نظامی در کشورها تأکید مجدد کرد.

بهانه حقوقی دیگری که ایالات متحده تلاش داشت به آن استناد کند، معاهده ۱۹۲۵ ژنو است که استفاده از تسلیحات مسموم کننده، مثل تسلیحات شیمیایی را ممنوع می‌کند. با این حال این معاهده نیز نتوانست پایه‌ای برای استفاده از زور قرار گیرد؛ زیرا در آن هیچ اشاره‌ای از عواقب تخلف از ممنوعیت استفاده از تسلیحات مسموم کننده زده نشده است. گذشته از آنکه در سال ۱۹۹۹ نیز مداخله نظامی ناتو در کوزوو که به بهانه مداخله بشردوستانه انجام گرفت و به کشتار صدها هزار مسلمان غیرنظامی ختم شد، آمریکا و ناتو در نبود مجوز شورای امنیت (که آن زمان هم روسیه مانع شده بود)، معیارهایی را به‌طور خاص برای شرایط کوزوو تعریف کردند تا مداخله غیرقانونی خود را توجیه کرده و اخلاقی جلوه دهند که مهم‌ترین آن‌ها تهدید وقوع یک فاجعه انسانی، تهدید امنیت منطقه‌ای و عدم اجرای خواسته‌های قبلی شورای امنیت از رژیم یوگسلاوی بود. با این حال در خصوص سوریه هیچ خواسته و قطعنامه قبلی شورای امنیت وجود ندارد. در نتیجه بدون مجوز شورای امنیت، ایالات متحده و متحدانش در صورت استفاده از قوای نظامی علیه سوریه، قوانین بین‌المللی را نقض می‌کردند و این اقدام از دیدگاه حقوقی غیرقانونی و از لحاظ دیپلماتیک نیز غیرقابل دفاع است.

در مجموع، موانع موجود در مقابل حل مناقشات مرتبط با بحران سوریه و موارد مشابه که در جریان است، نه فیزیکی، حقوقی و حتی عقلانی که سیاسی و مرتبط با بازیگرانی است که رضایتشان در شکل‌گیری معاهدات و توافق‌نامه‌ها لازم و ضروری است. تلاش برای احاله پرونده سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی در خردادماه ۱۳۹۳ نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

پی‌نوشت‌ها

^۱. Chemical Weapons Convention (CWC)

^۲. the Treaty of Paris (Briand-Kellogg Pact)

^۳. Jus Cogens

^۴. Simulation

^۵. Carla del Ponte

^۶. در این ارتباط رک به:

- U.N. has testimony that Syrian rebels used sarin gas: investigator, Reuters, May ^۵, <http://www.reuters.com/article/us-syria-crisis-un-idUSBRE۹۴۴۰۹Z۲۰۱۳۰۵۰۵>

^۷. The 'Uniting for Peace' resolution

^۸. سوریه به‌تازگی در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ به کنوانسیون ملحق شده است.

^۹. Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, Articles IX, XII, XIV.

^{۱۰}. در این ارتباط بنگرید به:

- Marie Harf, (Aug ۲۸, ۲۰۱۳), Deputy Spokesperson, U.S. Department of State. Daily Press Briefing, Washington, DC

^{۱۱}. Eager Lion

^{۱۲}. Daniel Webster

^{۱۳}. به‌طور مثال، آلمان در سال ۱۹۳۹ به بهانه یک حادثه مرزی که تمام توسط آلمان‌ها ساخته و پرداخته شده بود به لهستان حمله کرد.

^{۱۴}. Preemptive attack

^{۱۵}. Preventive attack

^{۱۶}. illegal but legitimate

^{۱۷}. The Rome Statute of ICC

^{۱۸}. برای آگاهی بیشتر؛ رک به:

- The White House, Office of the Press Secretary, "Government Assessment of the Syrian Government's Use of Chemical Weapons on August ۲۱, ۲۰۱۳.

^{۱۹}. Geneva Conventions, Additional Protocol I, Article ۵۱ sec. ۵ (۱۹۷۷): "۵.

Among others, the following types of attacks are to be considered as indiscriminate: (a) an attack by bombardment by any methods or means which treats as a single military objective a number of clearly separated and distinct military objectives located in a city, town, village or other area containing a similar concentration of civilians or civilian objects; and (b) an attack which may be expected to cause incidental loss of civilian life, injury to civilians, damage to civilian objects, or a combination thereof, which would be excessive in relation to the concrete and direct military advantage anticipated."

^{۲۰}. A prima facie case must be established

^{۲۱}. Peaceful options must be exhausted

^{۲۲}. The Security Council must be unable to act

^{۲۳}. Military force must be limited to low-intensity options designed to protect populations

^{۲۴}. The use of low-intensity military force must be authorized by a legitimate authority

^{۲۵}. The intervention must come at the request of credible opposition groups

^{۲۶}. در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵، شورای امنیت بر اساس قطعنامه ۱۵۹۳ موضوع سودان و عمرالبشیر را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد.

^{۲۷}. non-international armed conflicts

^{۲۸}. International Committee of the Red Cross (ICRC)

^{۲۹}. International armed conflicts

^{۳۰}. در این زمینه رک به:

- Rome Statute, article ۸ (۲) (f) (defining non-international armed conflicts as conflicts: "that take place in the territory of a State when there is protracted armed conflict between governmental authorities and organized armed groups or between such groups.").

^{۳۱}. Hans Blix

^{۳۲}. Snapback

منابع

الف. فارسی

- امیدی، علی و مسعود رضائی (۱۳۹۰)، «ملاحظات حقوقی جنگ روسیه و گرجستان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، سال سوم، شماره ۶، بهار.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۰)، «شبیه‌سازی در روابط بین‌الملل: مدل‌سازی و نظریه‌پردازی در ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۲.

ب. انگلیسی

- Ackerman, David M. (۲۰۰۳), "International Law and the Preemptive Use of Force against Iraq", **CRS Report for Congress**.
- Ahmed, Nafeez, (۲۰۱۳), "Syria intervention plan fueled by oil interests, not chemical weapon concern". **The Guardian**, August ۳۰.
- Art. ۲(b), (xviii), "The language used, "employing asphyxiating, poisonous or other gases, and all analogous liquids, materials or devices," is that of the ۱۹۲۵ Geneva Gas Protocol.
- Bellamy Alex J. (۲۰۰۶), "Preventing Future Kosovos and FuturerWandas: the Responsibility to protect after the ۲۰۰۵ World Summit, **Carnegie Council**, (Policy Brief), http://www.cceia.org/media/Bellamy_Paper.pdf
- Beth D. Nikitin, Mary, Paul K. Kerr and Andrew Feickert, (۲۰۱۳), Syria's Chemical Weapons: Issues for Congress, **Congressional Research Service**, September ۳۰,
- Blake, Jillian and Aqsa Mahmud, (۲۰۱۳), "A Legal "Red Line"? Syria and the Use of Chemical Weapons in Civil Conflict", **Ucla Law Review Discourse**, No. ۶۱. Disc. ۲۴۴.
- Blanchard, Christopher M., Carla E. Humud and Mary Beth D. Nikitin, (۲۰۱۴), Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response, **Federation of American Scientists**, January ۱۵,

<https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL۳۳۴۸۷.pdf>

- Blank, Laurie R. and Geoffrey S. Corn, (۲۰۱۳), “Losing the Forest for the Trees: Syria, Law, and the Pragmatics of Conflict Recognition”, **Vanderbilt journal of transnational law**, Volume ۴۶, May, Number ۳.
- Blix, Hans, (۲۰۱۳), “Even if Assad used chemical weapons, the west has no mandate to act as a global policeman,” **The Guardian**, August ۲۸.
- Brown, Hayes, (۲۰۱۳), “Senate Committee Passes Authorization for Military Strikes against Syria”, **Think Progress**, September ۴.
- Carswell, Andrew J. (۲۰۱۳), “Unblocking the UN Security Council: The Uniting for Peace Resolution”, **Journal of Conflict and Security Law**, Volume ۱۸, Issue ۳. Winter
- Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, Articles IX, XII, XIV.
- Geneva Conventions, Additional Protocol I, Article ۵۱. ۵ (۱۹۷۷)
- Darcy, Shane, (۲۰۰۳), “The Evolution of the Law of belligerent Reprisals”, **Military Law Review**, Vol. ۱۷۵
- Dozier, Kimberly and Matt Apuzzo, (۲۰۱۳), “AP sources: Intelligence on weapons no ‘slam dunk’,” **Associated Press**, August ۲۹.
- Hart, John, (۲۰۱۳), “Chemical and biological weapon programmes”, in: Armaments, Disarmament and International Security, **SIPRI YEARBOOK ۲۰۱۳**
- Hass, Michael, (۲۰۱۳), **International Human Rights: A Comprehensive**, ۲nd Edition, Routledge
- Landler, Mark and Michael R. Gordon, (۲۰۱۳), Air War in Kosovo Seen as Precedent in Possible Response to Syria Chemical Attack, **New York Times**, Aug. ۲۳.
- Mazzetti, Mark and Mark Landler, (۲۰۱۳), “U.S. Facing Test on Data to Back Action on Syria,” **The New York Times**, August ۲۸,
- Porter, Gareth, (۲۰۱۳), “In Rush to Strike Syria, U.S. Tried to Derail U.N. Probe,” **Inter Press Service**, August ۲۷

- Richter, Paul, (۲۰۱۳) “John Kerry Says Syria Chemical Attack Killed at Least ۱,۴۲۹ People, **L.A. Times**, August ۳۰,
- Schmitt, Michael N. (۲۰۱۳), “The Syrian Intervention: Assessing the Possible International Law Justifications” **International Law Studies**, Volume ۸۹.
- Stahn, Carsten, (۲۰۰۷), “Responsibility to Protect: Political Rhetoric or Emerging Legal Norm?” **The American Journal of International Law**, Vol. ۱۰۱, No. ۱ (Jan)
- United Nations and the Definition of Aggression, Law Teacher, <http://www.lawteacher.net/international-law/essays/united-nations-and-the-definition-of-aggression-international-law-essay.php#ixzz۷uScU۹qyE>
- UN Security Council, Resolution ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) [**Non-proliferation of weapons of mass destruction**] (S/RES/۱۵۴۰), ۲۰۰۴
- UN Security Council Resolution ۶۸۸, U.N. Doc. S/R/۲۸۸ (April ۵, ۱۹۹۱)
- UN Security Council Resolution ۱۹۷۳, preamble, U.N. DOC S/RES/۱۹۷۳ (March ۱۷, ۲۰۱۱)
- UNSC Resolution ۲۱۱۸ (۲۰۱۳) Adopted by the Security Council at its ۷۰۳۸th meeting, on ۲۷ September ۲۰۱۳
- UN Charter Chapter VII, Articles ۳۹-۴۲
- UN Charter, Article ۱۰۳
- UN Charter Chapter VI, Articles ۳۳ and ۳۷
- U.S. Constitution, Article VI, Clause ۲
- Williams, Paul R., J. Trevor Ulbrick and Jonathan Worboys, (۲۰۱۳), “Preventing Mass Atrocity Crimes: The Responsibility to Protect and the Syria Crisis”, **Case Western Reserve journal of International Law**, vol. ۴۵.
- Women’s International League for Peace and Freedom: **WILPF Statement**, (۲۰۱۳), “Syria, Chemical Weapons, and Avoiding Military Intervention”, **Women’s International League for Peace and Freedom**, August ۳۰.